تحکیم

دوشنبه بیست و دوم بهمن ماه یك هزار و سیصد نود و هفت شمسی
مدیر مسئول: علی دهقان سردبیر: حمید رضا مهدی پور
صاحب امتیاز: دفتر تحکیم وحدت

نوسازی مشارکت کار آمدی جمهوریت

جمهوریت نظام اسلامی، وابسته به مشـارکت مردمی است

۴۰ سال از بهمن ۵۷ و انقلاب اسلامی ایران می گذرد و اگر قرار باشد در آستانه‌ی دهه پنجم انقلاب، دستاورد اصلی این تحول تاریخی را به بوته نقد بکشانیم آن رهاورد، نه پیشرفت علمی و فناوری و نه توسعه عمرانی و اقتصادی در طول چهل سال است؛ بلکه مفهوم اصیلی است که کمتر به آن توجه کردیم.

بزرگترین دستاورد انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی بوده و هست. دستاوردی که قصد داشت زنگارِ چند صد ساله از مفهوم جمهوریت و اسلامیت را پاك کند و نشان دهد این دو نه تنها در تزاحم با یك‌دیگر نیستند که اگر اصل هر یك را بیابیم می توانیم آن‌ها را با یك دیگر پیوند دهیم. چراکه حاکمیت الهی برای تحقق، نیاز به اراده‌ی مردم دارد؛ مردمی که آن را بخواهند و برای تحقق و تولدش تلاش کنند.

اما نکته اینجاست که نقشِ مردم محدود به زمان ایجاد یك نظام اسلامی نیست؛ بلکه جایگاه ایشان در نظام به دو صورت متجلی می‌شود ابتدا با اراده‌ی مردمی برای تاسیس و سپس با مشارکت مردمی در مرحله استمرار و ادامه حیاتِ آن.

جمهوری اسلامی مرحله اول یعنی تاسیس را با خواست مردم در سال ۵۷ پشت سر گذاشت تا اراده‌ی مردمی را هنگام تولد متجلی کند و پس از آن انتظار می‌رفت چنین حرکت پر قدرتی را در مرحله دوم یعنی استمرار هم انجام شود اما چنین نشد! یا اگر شد مربوط به سال‌های اولیه پس از تاسیس است.

زمان انقلاب و سال های ابتدایی، آنچه فضای داخلی کشور را پیش می برد همت و خواست مردم بود از پاکسازی طاغوت و تامین نفرات برای تشکیلات نوظهور و نهادهای انقلابی گرفته تا دوران جنگ تحمیلی که جلوه گاه مقاومت مردمی بود.

رویکرد مردمی تا جایی پیش رفت که نفرات نهادهای حکومتی مانند ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی از قلب توده‌ی مردم تامین می‌شد که در نتیجه هم نفرات شایسته‌تری به عرصه قدرت راه پیدا می‌کردند و هم مردمی که نفراتی مانند آیت، دیالمه، رجایی و... را انتخاب کرده بودند به واسطه رویکرد مردمی مسئولین، احساس اثرگذاری و رضایت بیشتری می‌کردند.

این حضور و مشارکت تنها در ابعاد سیاسی خلاصه نمی‌شد و پایگاه‌های فرهنگی مانند مساجد و اقدامات اجتماعی مانند جهاد سازندگی را هم در بر می‌گرفت.

بروز رسانی ساختارهای مشارکت مردمی

اما هر چه جلوتر آمدیم ساختارهای مشارکت مردمی و احساس مشارکت مانند ابتدای انقلاب پررنگ نبود. چراکه این ساختارها نتوانسته بود همپای تحولات روز، گستردگی جمعیت، پیچیدگی و تنوع گرایشاتِ سیاسی اجتماعی مردم، به روز رسانی شود.

برای مثال همواره از انتخابات به عنوان نقطه عطف جمهوریت نظام یاد می‌شود اما نحوه برگزاری انتخابات و میزان اثرگذاریِ رای مردم می‌تواند متغیر باشد به این صورت که در حال حاضر ۶۰ درصد شرکت کنندگان در انتخاباتی به یك جریان خاص سیاسی رای می دهند اما در عمل ۱۰۰ درصدِ نتیجه‌ی انتخابات را برنده می شوند در حالی که رای و نظر ۴۰ درصد مابقی نادیده گرفته می‌شود و هیچ سهمی از قدرت و هیچ جایی برای بروز نظر متفاوتشان پیدا نمی‌کنند که در عمل به سرخوردگی و سرکوب حس مشارکت می‌انجامد. بنابراین پس از چند دهه برگزاری انتخابات‌های متعدد لازم است روش آن را هم به روز رسانی کنیم تا جمهوریتِ کارآمدتری به عرصه ظهور برسد.

از طرفی دیگر معنای حقیقی برخی نهادها که بستر مشارکت مردمی بودند؛ کمرنگ شد مانند مسجد که به عنوان یك پایگاه مردمی با تمام کارکردهای عبادی، سیاسی و فرهنگی شناخته می‌شد اما کم کم به رویکردهای فردیِ عبادی محدود گشت.

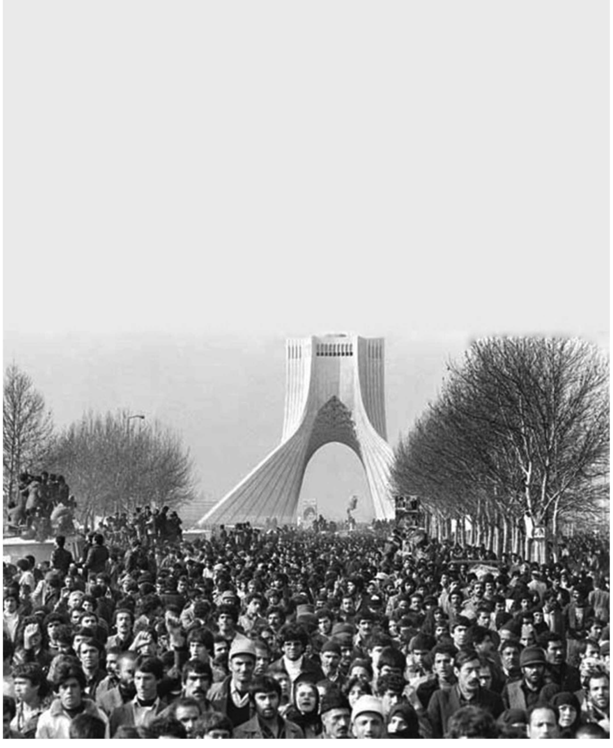

سعادت برای یك جامعه باید به دست و خواست مردم آن جامعه رخ بدهد و کامیابی در پرتوی انتخاب و مشارکت آگاهانه افراد جامعه محقق می‌شود که به مطلوب ترین نتیجه بیانجامد؛ و برای انتخاب آگاهانه نیاز به دسترسی و گردش اطلاعات است که می‌توان در یك کلمه تحت عنوان «شفافیت» آن را متجلی کرد

مشارکت آگاهانه

سعادت برای یك جامعه باید به دست و خواست مردم آن جامعه رخ بدهد و کامیابی در پرتوی انتخاب و مشارکت آگاهانه افراد جامعه محقق می‌شود که به مطلوب ترین نتیجه بیانجامد؛ و برای انتخاب آگاهانه نیاز به دسترسی و گردش اطلاعات است که می‌توان در یك کلمه تحت عنوان «شفافیت» آن را متجلی کرد.

شفافیت، امکان شناخت را برای شرکت کننده فراهم می‌کند و به تبع آن مسئولیت او را هم در برابر انتخابی که انجام داده افزایش می‌دهد. چنین حالتی می‌تواند انتخاب از روی بی‌اطلاعی و فضاسازی رسانه‌ای را به حداقل برساند.

برای مثال اگر در رفتار فعلی نمایندگان مجلس شفافیت وجود داشته باشد و میزان دستمزد، هدایای دریافتی، سفرهای خارجی، حضور و غیاب او در جلسات مشخص شود نفرات رای دهنده برای انتخاب او در دوره های بعد تصمیم منطقی‌تری می توانند بگیرند.

مشارکت سلبی و ایجابی

در عین حال می توان مشارکت را محدود به حالت ایجابی و رساندن حاکمیت به اهداف مورد نظر خود ندانست و حالت سلبی آن را هم از نظر گذرانید. به این صورت که اگر قشری در جامعه با قسمتی از تصمیمات اخذ شده‌ی حاکمیت مخالف باشند بتواند در بستری مناسب و مردمی که منجر به سوء برداشت و رادیکالیزه شدن، نشود مخالفت خود را بروز دهند. نکته ای که خلاء آن در جریان اخیر اعتراضات اقشار مختلف از جمله کارگران به چشم می‌خورد و عملا نشان می‌داد اگر گروهی در اثر یك اقدام اشتباهِ قوه مجریه؛ ضرر کرده باشد راهی نتیجه بخش برای بیان اعتراض خود ندارد و سو استفاده‌ی گروه‌های معاند از هر اعتراض معیشتی و اجتماعی باعث می‌شود اعتراض مردمی در زیر لایه‌ای از غبار اغتشاش مغفول بماند و دیده نشود.

اما آنچه واضح است لزوم توامان جمهوریت و اسلامیت است که یکدیگر را تکمیل می‌کنند و به عرصه اجرا می‌رسانند؛ و برای تجدید نظر در وجه جمهوریت نظام اسلامی باید ارکان مشارکت مردمی را مورد توجه قرار داد تا اگر در قسمتی از دست رفته آن را ایجاد و اگر کمرنگ شده، ترمیم و نوسازی کرد. آن گاه می‌توانیم در آستانه‌ی پنجمین دهه از عمر انقلاب اسلامی، روحی تازه در کالبد آن بدمیم و طرحی نو دراندازیم.

ساراعاقلی_ دبیر واحد سیاسی

انقلابی که بتواند در زمینه انسان سازی پیروز شود هرگز اسیر دست هیچ قدرتی نخواهد شدو جاودانگی اش تضمین شده است

● کادرسازی برای انقلاب

چهل سالگی انقلاب اسلامی زمان خوبی است تا به گذشته نگاهی کنیم و از این مسیر پرفرز و نشیب برای ترسیم آینده روشن درس بگیریم

از مهم ترین ملزومات حفظ تداوم انقلاب و حفظ شادابی تربیت و آموزش نیروی جوان است که در اصطلاح از ان به نام کادر سازی یاد میشود که نه تنها تربیت و اموزش را بلکه به کار گیری آن در در مسِولیت های مختلف را در نظر میگیرد.

«سربازان من در گهواره ها هستند»

جمله معروف حضرت امام (ره) که "سربازان من در گهواره ها هستند" نشان از اهمیت این موضوع در منظومه فکری ایشان به عنوان بنیانگذار این انقلاب دارد که ثمره این نگاه را در هشت سال دفاع مقدس و شکل گیری کادر اولیه مسئولین نظام جمهموری اسلامی شاهد هستیم.

اما امروز در استانه چهل سالگی انقلاب قرار گرفته ایم و این مسئله بیش از پیش قابل بررسی است که چقدر توانسته ایم این راه را تداوم ببخشیم و آرمان ها و گفتمان انقلاب اسلامی را باهدف تربیت نیروی جوان انقلابی به روز و منتقل کنیم و شاهد حضور فعال و موثر جوانان در جایگاه ها و ساختار های نظام باشیم ؟؟

امروز ما در حوزه های زیادی موفق بوده ایم برای مثال همانند دوران دفاع مقدس توانسته ایم جوانانی را تربیت کنیم تا در بیرون از مرز های این کشور با دشمنان مبارزه و از حریم ولایت دفاع کنند .

اما مسائلی ذهن جوانان امروز را درگیر کرده مثل قانون منع به کارگیری بازنشستگان و عدم پذیرش مسئولان ،کادرسازی از طریق روابط موروثی ، سو استفاده احزاب و جریان های سیاسی از نیروی جوان پای کار،مرید پروری برای خود به جای کادر سازی برای نظام و مواردی از این دست که مشارکت و حضور جوانان را در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه تهدید میکند و با توجه به تاکید مقام معظم رهبری نیاز هست در سطح مسئولین به این موضوع توجه کنند

در حال حاظر تعداد زیادی از جوانان در دانشگاه ها مشغول تحصیل و رشد در تشکیلات های اسلامی دانشگاه ها هستند که در حوزه های معنوی ، فکری ،محتوایی و اجرایی ،عملیاتی کار مکیند اما با ارمان های جنبش دانشجویی فاصله دارند که به نظر مهم ترین سرمایه گذاری نظام باید بروی دانشگاه ها و این تشکیلات ها باشد که این اهمییت هم باعث پویایی فضای سیاسی دانشگاه ها و هم کادرسازی با حداقل هزینه میشود.

هر تشکیلاتی در هر کجای دنیا برای ادامه حیات به آموزش و کادر سازی نیاز دارد تا با مشارکت حداکثری نشاط و شادابی خود را حفظ کند ، ما هم امروز به فرموده امام خامنه ای در مرحله دولت اسلامی از مراحل پنج گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی قرار داریم که اهمیت نیروسازی در این دوره زمانی بسیار حائز اهمیت است تا بتوانیم با سربلندی ادامه مسیر انقلاب اسلامی را طی کنیم.

در پایان با جمله ای از شهید مهدی رحب بیگی دبیر دفتر تحکیم وحدت اهمیت این مسیله را یاداور میشوم:

"انقلابی که بتواند در زمینه انسان سازی پیروز شود هرگز اسیر دست هیچ قدرتی نخواهد شدو جاودانگی اش تضمین شده است "

امین پویان راد_ دبیر واحد آموزش

بررسی وضعیت زنان در چهل سال پس از انقلاب اسلامی

معرفی الگوی زن مسلمان ایرانی به همه ی جهان

پس پیروزی انقلاب اسلامی و نقش برجسته ای که زنان در رسیدن به این پیروزی بزرگ داشتند، شکلی جدید و همه جانبه از حضور زنان در تاریخ ایران متبلور شد؛ در واقع زنان در مبارزات علیه رژیم پهلوی و جنگ تحمیلی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، کشور را در برگرفت با عملِ تکلیف گرایانه و اسلامی خود نشان دادند که به دنبال بازپس گیری هویت حقیقی خود مبتنی بر اسلام هستند و در این مسیر رهنمون ها و حمایت های همه جانبه امام خمینی (ره) و پس از رحلت ایشان، پشتیبانی های امام خامنه ای همواره روشن کننده ی این مسیر بوده است.

پس از گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی و تاکید ویژه رهبران انقلاب اسلامی بر حوزه زنان و خانواده که از مسائل چالش برانگیز در همه دوره ها بوده و هست، حال باید بررسی کرد چقدر آرمان های انقلاب در این حوزه محقق شده است؟ امروزه در چهل سالگی انقلاب، حوزه زنان و خانواده در چه نقطه ای از شروع این مسیر قرار گرفته است؟ و آیا این، نقطه مطلوبِ ما در چهل سالگی انقلاب اسلامی است؟

> در "مقدمه قانون اساسی" آمده است: «زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.»

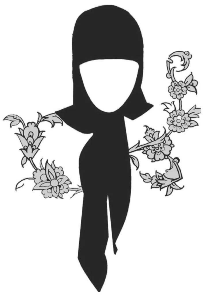

● مردمی بودن انقلاب

مردمی بودن انقلاب از جمله ویژگی های شاخص انقلاب اسلامی بود و ثمره گسترش مشارکت زنان در همه زمینه ها را در پی داشت. پیشرفت قابل توجه وضعیت زنان پس از انقلاب در زمینه های فرهنگی، سیاسی، ورزشی، علمی و آموزشی و... □ به گونه ای که امکانات در اختیار همه زنان قرار گیرد□ در مقایسه با پیش از انقلاب بسیار چشمگیر است؛ همچنین سیاستگذاری هایی که پس از انقلاب در حوزه زنان و خانواده انجام گرفت و در متن قانون اساسی قرار دارد، وضعیت بهبود بخش و غیر قابل مقایسه ای نسبت به پیش از انقلاب را برای زنان رقم زد، به گونه ای که در« مقدمه قانون اساسی» آمده است:«زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود»

در واقع پس از انقلاب بستری برای زنان فراهم شد که ضمن بازیابی هویت حقیقی خود در هر مسیری تا بی نهایت اثرگذاری مطلوب پیش روند و الگوی زن مسلمان ایرانی را به همه ی جهان معرفی کنند؛ اما در این میان نکات مهمی حائز اهمیت هستند که توجه به آن ها برای رسیدن به نقطه آرمانی انقلاب اسلامی ضروری است؛ از جمله عدم جامع نگری در برنامه ریزی های مربوط به حوزه زنان و خانواده و نحوه ی عمکرد نهادها و سازمان هایی که یا مستقلا و مستقیما مربوط به حوزه زنان هستند، مانند شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و یا نهاد هایی که با بخشی از عملکرد خود بر حوزه زنان و خانواده اثر گذارند، مانند: مجلس شورای اسلامی که قانون گذار هستند و قوه قضاییه که مسئولیت احقاق حقوق را عهده دارند و بسیاری از قسمت های دیگر مانند اداره امور بین المللی زنان وزارت امور خارجه و...، البته در این میان متناسب با وظیفه، ماموریت تعریف شده و امکانات و حوزه عملی که در اختیار هر مجموعه قرار میگیرد، بیشترین توقع از «شورای فرهنگی و اجتماعی زنان» و «معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری» است.

●سیاست گذاری در حوزه زنان

شورای فرهنگی اجتماعی زنان که از سال ۶۷ تشکیل شده و ماموریت آن سیاست گذاری در حوزه زنان و خانواده بوده است، با توجه به اظهارات خود تا به امروز مصوبه های بسیاری داشته است اما باید پرسید چرا امروزه و در یك دهه اخیر مسائل فرهنگی و خانوادگی زنان رو به افول بوده است؟ آیا این مسئله ناشی از عدم جامعیت سیاست گذاری ها نیست؟ و اگر معتقدند سیاست گذاری ها جامعند و ضمانت اجرا ندارند چرا تلاشی نکردند که این مشکل حل شود؟ در حالی که قرار بود شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجموعه های ذی ربط آن متولی امور فرهنگی در کشور باشند و به همین دلیل باید نسبت به ضمانت اجرایی سیاستگذاری ها خود را مسئول بدانند و نسبت به رفع خلا موجود برای ضمانت اجرایی اقدام کنند.

● معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

و اما معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری که از سال ۱۳۷۰ آغاز به‌کار کرده است. معاونت امور زنان که ذیل قوه مجریه تعریف می شود و متناسب با تغییر دولت ها و سیاست هایی که هر دولت پیش میگیرد عمل می کند و از اساس مسئله زنان و خانواده □که باید فارغ از جهت گیری های سیاسی مورد بررسی قرار بگیرد□ به موضوعی کاملا سیاسی بدل گشته است، به طوری که وقتی عملکرد این معاونت بررسی می شود، در عمده فعالیت این معاونت تلاش در جهت پیوستن به کنوانسیون های گوناگون بین المللی به چشم میخورد و عمده تمرکز خود را بر مسائلی چون اشتغال زنان گذاشته اند؛ در حالی که زنان از مشکلات عدیده فرهنگی و حقوقی دیگری نیز رنج می برند. در واقع از معاونت زنان و خانواده توقع می رود به جای تلاش در اموری که اولویت دست چندم را دارند به حل مسائل و مشکلات مهم دیگری نیز بپردازند؛ مانند افزایش تجرد دختران، فرهنگ سازی اسلامی درمورد نقش زنان و رسیدگی به بهبود وضعیت زنان و دختران مناطق محروم. در سطح بالاتر نیز توقع می رود به جای تلاش جهت دست یافتن به جایگاه های بین المللی که ظاهر حمایتی از زنان دارند و در اصل ناقض این موضوع اند به حمایت از زنان و کوکانی بپردازند که در کشور های اسلامی به واسطه جنگ مورد ظلم شدید واقع شده اند و در راستای معرفی الگوی زن مسلمان به جهان قدم بردارند نه آنکه بواسطه قرار دادهای بین المللی مختلف با کشور هایی که تناقض فرهنگی کامل با مبانی اسلامی دارند در راستای گسترش فرهنگ غربی حرکت کنند.

در مجموع علی رغم پیشرفت های بسیار زیاد در حوزه زنان و خانواده در چهار دهه اخیر آنچه که به نظر می آید نوعی انفعال در حوزه زنان و خانواده است و لازم است جهت رسیدن به نقطه مطلوب، تغییر و تحولا تی در سازمان ها و نهاد های مربوط به حوزه زنان ایجاد شود تا کارآمدی لازم محقق گردد.

سیده نرگس حسینی *

*** مسئول دفتر خواهران**

حلقه مفقوده دانشگاه اسلامی

اگر
دانشگاه
اصلاح
بشود،
آینده‌ی
آن جامعه
اصلاح
خواهد
شد.

● دانشگاه اسلامی یکی از اصلی ترین هدف ها درانقلاب فرهنگی

از انقلاب اسلامی ایران ۴۰سال می گذرد انقلابی که یه وجه تمایز شاخص آن با انقلابات دیگری که درسطح جهان رخ داده پر رنگ بودن مقوله فرهنگ در آن است در حقیقت فرهنگ آن چنان برای انقلاب اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار بوده که دوسال زمان بگذارد برای بالاترین سطح آموزش عالی کشور که اسلام را در درون دانشگاه ها و تمام شئون جامعه رسوخ دهد.

درواقع دانشگاه اسلامی یکی از اصلی ترین هدف ها درانقلاب فرهنگی بوده است.حال باید دید بعد از گذشت چهار دهه آیا بدان دست یافته است یا خیر و یا اینکه چقدر راه مانده تا رسیدن به آن؟

دانشگاه، نقطه ی اساسی هر جامعه و کشوری است. اگر دانشگاه اصلاح بشود، آینده» ی آن جامعه اصلاح خواهد شد. اگر دانشگاه فاسد بشود، سرنوشت آن جامعه فساد است. این فسادی که در دانشگاه فرض می کنیم، ممکن است فساد اخلاقی باشد، یا فساد علمی. فساد علمی معنایش این است که در دانشگاه، نه معلم برای درس دادن و یاد دادن دلسوزی کند، نه متعلم و دانشجو برای یادگرفتن دلسوزی کند. نتیجه، بی سواد بار آمدن، بدفهمیدن و عدم رشد استعدادهاست. فساد اخلاقی معنایش این است آن که درس می خواند یا نمی‌خواند، از لحاظ اخلاقی، شرافت و شرف و غیرت و انگیزه و ایمان لازم را در خود پرورش ندهد. این هم نتیجه‌اش با شق اول یکی است؛ شا یدهم گاهی بدتر.»

> دانشگاه وابسته‌ی به غرب، دانشگاه متکی به اراده و فرهنگ دیگران، نمی‌تواند برای یك فرهنگ مفید باشد

اگر بخواهیم دانشگاه اسلامی رادر ساده ترین عبارات توصیف کنیم دانشگاهی که تربیت دهنده نسل وجوانانی است که با فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی تربیت شده و برای جامعه مفید فایده خواهند بود جوانانی که علوم را از دریچه دین فرا می گیرند قطعا فرزند زمانه خود هستند اما دانشگاهی که خود را محصور در تعالیم ونظریه های منحط غربی کرده که دیگر آن نظریات برای خودش هم قابل استفاده نیست نمی تواند راه گشای مشکلات جامعه خود باشد ودراین دانشگاه از نشاط و معنویت و علم آموزی که دستورموکد و صریح اسلام است خبری نخواهد بود.دانشگاه اسلامی این ویژگی بارزکه عبارت است از انسان سازی (استاد و دانشجو)، خودباوری وتکیه به توان داخلی است را داراست.

● دستگاه انسان سازی انقلاب اسلامی

حال اگر بتوانیم به چنین هدفی دست پیدا کنیم نیروی انسانی مومن و دلسوز خواهیم یافت. که به قول رهبری جمهوری اسلامی ایران «اگر دین هم ندارند، اگر به ارزش‌های اسلامی هم اعتقاد ندارند، لااقل دلشان بخواهد که برای میهن‌شان مفید و موثر باشند.»این همان دستگاه انسان سازی انقلاب اسلامی است.

در همه جا از جمله در دانشگاه‌ها آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناك علیه انقلاب» درست شده است»

> «در همه جا از جمله در دانشگاه‌ها آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناك علیه انقلاب درست شده است»

حال دشمن این نقطه قوت در جمهوری اسلامی را شناخته وانواع و اقسام نقشه ها را برای تضعیف آن طراحی کرده باید هشیار بود و این حلقه ی مفقوده را یافت وساخت تا این نقشه ها را خنثی نمود.

دانشگاهی با شاخصه های اسلامی

بنده طرفدار دانشگاهی هستم که اصولی، اعتلاطلب، روبه مردم، فعال و از لحاظ علمی و فکری پُرنشاط باشد. هرگز من دانشگاه و دانشگاهی» را به محافظه کاری و اکتفا به آنچه که امروز از فکر و فرهنگ و معرفت در دست دارند، توصیه نمی‌کنم؛ نه، دانشگاه باید دائم نردبان تعالی را طی کند و پیش برود. من معتقدم محافظه کاری و اکتفای به آنچه که داریم و نداشتن همت و بلندپروازی در همه زمینه های فکر و فرهنگ، قتلگاه انقلاب است. انقلاب اساساً یعنی گام بلند، که پشت سرش باید گام های بلند دیگری برداشته شود. باید مفاهیم را درست فهمید و دانست و با حیطه بندی درست مفاهیم باید حرکت کرد.»

با بررسی دانشگاه ها می‌توان به این نتیجه رسید که انقلاب اسلامی در این جهت گام هایی را برداشته اما این مسئله نیازبه توجه بیشتری دارد تا نتیجه مطلوب حاصل شود ان شاءالله.

~~*مژگان صلایی_دبیر واحد فرهنگی*~~

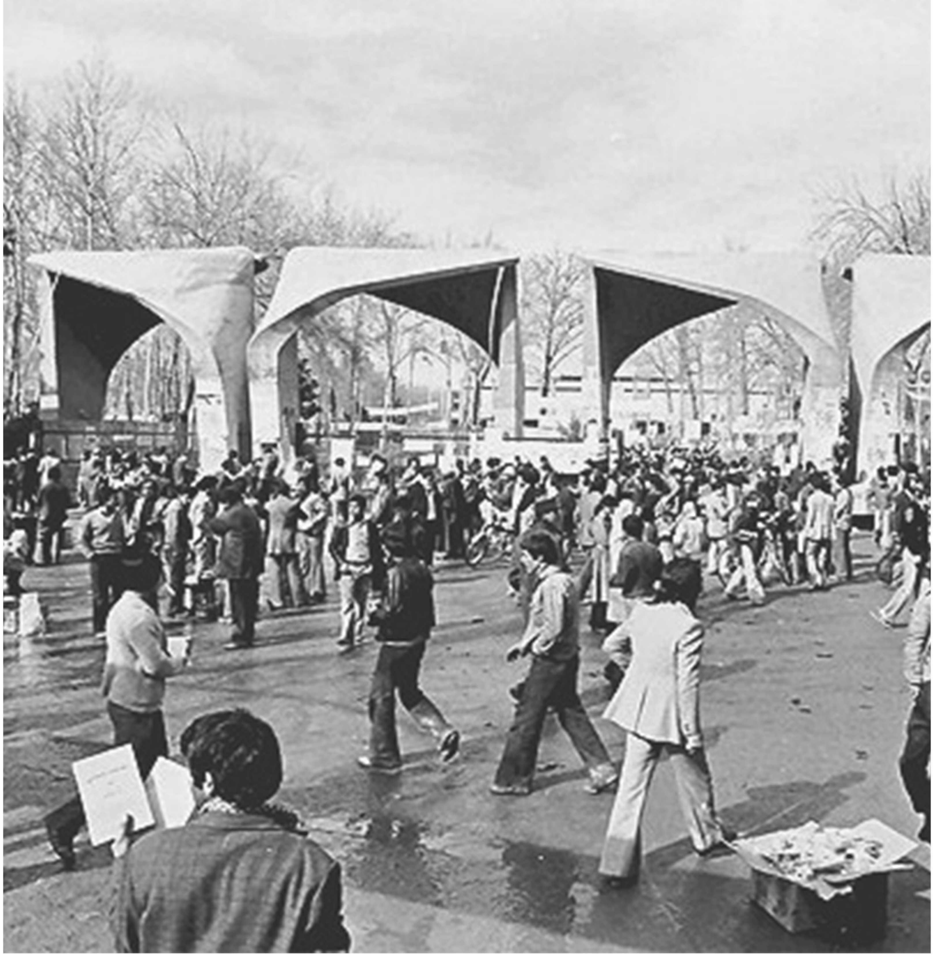

انقلاب بیدار ساز

> همواره صدور انقلاب و محدود نبودن آن در یك جغرافیای سرزمینی را می توان به عنوان یکی از مولفه های قدرت آن انقلاب قلمداد نمود، چرا که این مسئله ریشه در عمق مبانی و جهان شمولی آن حرکت مردمی دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام(ره) نظریه های متفاوتی حول مسئله صدور انقلاب بوجود آمد. عده ای معتقد بودند که به هرشکل ممکن، حتی با به کار گیری روش های سخت و فیزیکی باید انقلابمان را به سایر کشور ها صادر کنیم، گروه دیگر که طیف ملی گرا هارا بیشتر شامل میشد، قائل به صدور انقلاب به هیچ شکل و قالبی نبودند، در مقابل دو تفکر فوق، گفتمان حضرت امام(ره) قرار داشت. ایشان از همان ابتدا انقلاب اسلامی را محدود به مرزهای ایران نمی دانستند و معتقد بودند همانطور که اسلام یك دین الهی ایست و آموزه های آن راه نجات جهانیان است، نهضت اسلامی مردم ایران هم به خودشان محدود نبوده و حامل پیام هایی روشن برای همه ملت ها در راستای استقلال و رهایی از چنگال چپاول گران است، اما انتقال این پیام به روش های سخت و فیزیکی موثر نیست، چرا که مخاطب این پیام عمق جان و وجود مستضعفین عالم است. گفتمان امام خمینی(ره) اساس دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی ایران می شود. حال چقدر دولت ها در این راستا تلاش و سیاست گذاری کرده اند، موضوع نوشته ما نیست.

پس از گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، شاید زمان مناسبی باشد که کارنامه صدور انقلاب و تاثیرگذاری آن بر سایر ملت ها را بررسی کرد.

● تشکیل جبهه منطقه ای مقاومت

شاید با نگاه گذرا به رخداد ها و حرکات مردمی که به اذعان خود الهام گرفته از انقلاب اسلامی هستند بتوان به عمق نفوذ و تاثیر گذاری آن پی برد. جنبش های مردمی که در شرق آسیا در کشور های مالزی و اندونزی شکل گرفت و مسلمانان به تاسی از انقلاب اسلامی ایران، خواستار احیای هویت اسلامی خویش شدند. مجموعه حوادثی که در کشورهای شبه قاره هند و افغانستان به وقوع پیوست، بهار عربی و خیزش مردم کشورهای اسلامی در مقابل حاکمان طاغوتی خود که دست نشانده جبهه استکبار بودند، تاثیر پذیری مردم آمریکای لاتین و آمریکای جنوبی از استقلال خواهی ملت ایران که اخیرا توسط یك مقام رده بالای آمریکایی مطرح شد و از همه مهم تر و با برکت تر، تشکیل جبهه منطقه ای مقاومت که چنان باشکوه و تاثیرگذار است که مسئولان کشورهای چپاول گر جهان را عاجز و ذلیل کرده است.

● روشن شدن چراغ عدالت در دل مستضعفان

بله، تاثیرگذاری و لطافت شعارهای انقلاب اسلامی ایران چنان بر جان می نشیند که حتی رهبر معترضین نظام سرمایه داری فرانسه، خیزششان را الهام گرفته از انقلاب اسلامی ایران عنوان می کند. هرچه زمان می گذرد اندیشه های امام راحل بیشتر محقق می گردد، شاید زمانی که می گفت انقلاب اسلامی پایه گذار تمدن اسلامی ای خواهد شد که حضرت مهدی (عج) بر آن حکومت می کند را در این زمان که شاهد افول تمدن لیبرالی غرب هستیم (که بسیاری از جامعه شناسان آن را پایان تاریخ می دانستند) بتوان بهتر درك کرد. اسلام توانست پایان تاریخ را در اذهان مردم عوض کند و به آن ها بگوید جهان را می توان با شیوه ای جز طبقه اکثریت فرودست و طبقه ای اقلیت سرمایه دار اداره کرد، شیوه ای که اساسش کرامت همگان است و وارثین آن مستضعفان و صالحان. همین روشن شدن چراغ عدالت در دل مستضعفان است که آن ها را مجذوب انقلاب ایران می کند و خود را مامور نیل به این ارزش ها می بینند.

~~*احمدرضا حجتی پور_دبیر واحد بین الملل*~~